



می شوند یا مهاجرینی که می آیند بخشی از درآمد اینجا خواهند بود، این دیدگاه‌ها شاید در نگاه اول درست باشند اما باز سیاست‌های اقتصادی و بانکی به صورتی است که فرد رغبت نمی‌کند در ایران سرمایه‌گذاری کند. سرمایه‌گذار و تاجر افغان بسیار داریم اما عمده سرمایه‌اش در ترکیه و دبی است چون امنیت برای سرمایه‌گذاری در ایران وجود ندارد. نمونه‌های بسیاری وجود دارد از اینکه فردی افغان تمام دارایی‌اش را به نام یک ایرانی کرده است و مسئله‌های مختلفی ایجاد شده است.

حقیقت‌طلب: مسئله‌ی دیگری که وجود دارد اتهاماتی است که از ترس ایرانیان می‌آید و به افغان‌ها وارد می‌شود، نمی‌دانم این حرف‌ها از کجا آمده اما ایرانیان ترس این را دارند که نکنند همانطور که اسرائیلی‌ها زمین‌ها و خانه‌های فلسطینی‌ها را خریدند و بعد کل فلسطین را تصاحب کردند؛ افغان‌ها هم ایران را تبدیل به فلسطین کنند. اینکه ایرانی‌ها، افغان‌ها را با اسرائیلی‌ها و یهودیان یکی می‌دانند خیلی مسئله‌ی عجیبی است. داستان‌های تاریخی بسیار زیادی را دیده‌ام که در این مورد ساخته‌اند؛ میحث آریایی‌گرایی در ایران به قدری رواج دارد که در آلمان نازی وجود نداشته است. ما در ایران به چیزهایی افتخار می‌کنیم که بسیار سست است، یعنی ممکن است اگر به همین نگاه نژادپرستانه ادامه دهیم، هر لحظه وضعیت ما هم شبیه افغانستان بشود. این یک مسئله‌ی بزرگ فرهنگی است که به راحتی حل نمی‌شود. باید یک پروژه‌ی دانشگاهی برای دانشگاه‌ها تصویب شود تا این مسائل ریشه‌یابی شود.

کشوری مثل آلمان که به این افراد پناهندگی می‌دهد از همان بدو ورود برای وی برنامه دارد اما شرایطی هم دارد مثل ساکن بودن در یک مکان برای مدت مشخص، یادگیری زبان آلمانی، نیروی کار باشی و... در نهایت هم حقوق معین را دریافت می‌کنی